


A Comparative Study of Conflict Management Strategies Among Sahmgozar Low-Conflict and Non- Sahmgozar High-Conflict Parents in Their Interactions with Adolescents

F. Shadabmehr¹
y. Rezapour²

 0000-0002-8986-2904

 0000-0002-7308-6912

Abstract

The present study aimed to compare conflict management strategies employed by Sahmgozar's low conflict parents and non- Sahmgozar's high conflict parents in their interactions with their adolescent children in Tehran. Method: This qualitative research was conducted using grounded theory methodology. Data were collected through semi-structured interviews with purposefully selected participants, consisting of parents identified as either Sahmgozar's low-conflict or non- Sahmgozar's high-conflict in their relationships with adolescents. Sampling continued until theoretical saturation was reached, resulting in 12 Sahmgozar's low conflict parents and 9 non- Sahmgozar's high conflict parents, selected based on defined inclusion criteria in 2022. Data analysis followed Strauss and Corbin's coding procedures based on grounded theory. Analysis of interviews with Sahmgozar's low conflict parents yielded 36 open codes, 4 axial codes, and 1 selective code labeled as "expansive and constructive parental strategies within a connected relational context with the adolescent." In contrast, interviews with non- Sahmgozar's high-conflict parents resulted in 29 open codes, 4 axial codes, and 1 selective code described as "ineffective and restrictive parental strategies within a disconnected relational context with the adolescent." A Sahmgozar parental attitude and approach can provide a foundation for the use of constructive strategies that facilitate conflict management in parent-adolescent relationships, ultimately fostering a developmental relationship marked by mutual peace and satisfaction.

Keywords: Conflict management strategies, parent-adolescent conflict, Sahmgozari, Sahmgozar parents.

1- Ph.D. student of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

F.shadabmehr@yahoo.com

2- Associate Professor, Counseling Department, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran.

y.rezapour@ardakan.ac.ir

مقایسه راهبردهای مدیریت تعارض میان والدین و سهم‌گذار کم‌تعارض و غیرسهم‌گذار پرتعارض با نوجوانان خود

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۲۹

فهیمة شاداب‌مهر^۱

یاسر رضاپورمیرصالح^۲

چکیده

مطالعه حاضر با هدف مقایسه راهبردهای مدیریت تعارض میان والدین سهم‌گذار کم‌تعارض و غیرسهم‌گذار پرتعارض با نوجوانان خود در شهر تهران انجام شده است. به صورت کیفی بوده و داده‌ها از طریق نظریه زمینه‌ای یا داده‌بنیاد با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته از نمونه‌های پژوهش جمع‌آوری شد. نمونه‌گیری از نوع هدفمند بوده و از میان والدین سهم‌گذار کم‌تعارض و غیرسهم‌گذار پرتعارض با نوجوان خود در شهر تهران در سال ۱۴۰۱ از طریق ملاک‌های ورودی پژوهش انتخاب شده تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته و تعداد آن به ترتیب به ۱۲ و ۹ مورد رسید. سپس تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری استرواس و کوربین بر مبنای نظریه زمینه‌ای صورت گرفت. طی این کدگذاری‌ها، داده‌های مستخرج از مصاحبه با والدین سهم‌گذار کم‌تعارض با نوجوان شامل ۳۶ کد باز و ۴ کد محوری و یک کد انتخابی تحت عنوان راهبردهای مولد و وسعت‌بخش والدینی در بستر اتصالی با نوجوان بود. به علاوه، داده‌های حاصل از مصاحبه با والدین غیرسهم‌گذار پرتعارض با نوجوان، مشتمل بر ۲۹ کد باز و ۴ کد محوری و یک کد انتخابی تحت عنوان راهبردهای ناکارآمد و محدودکننده والدینی در فضای انفصالی با نوجوان مشخص شد. برخورداری والد از نگرش و عملکرد سهم‌گذارانه می‌تواند بستری فراهم نماید تا با به‌کارگیری راهبردهای مولد، سبب مدیریت تعارض در رابطه با نوجوان گردد و در نهایت در یک ارتباط تکوین‌بخش، آرامش و رضایت را برای والد و نوجوان به همراه آورد.

کلیدواژه‌ها

راهبردهای مدیریت تعارض، تعارض والد-نوجوان، سهم‌گذاری، والدین سهم‌گذار.

۱- دکتری دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

F.shadabmehr@yahoo.com

۲- دانشیارگروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

y.rezapour@ardakan.ac.ir

مقدمه

دوره نوجوانی با دربرداشتن تغییرات متعدد در سطوح مختلف رشدی از جمله عاطفی، اجتماعی و فیزیکی، دوره‌ای منحصربه‌فرد بوده (O'Donohue, Benuto & Tolle, 2013) و با شروع این روند تمایز، روابط خانوادگی نوجوانان با والدین خود دستخوش تغییر می‌شود (Nebel-Schwalm, 2006). نوجوانان با اتکای فزاینده به همسالان خود، به دنبال افزایش استقلال شخصی بوده و کمتر تمایل دارند خود را بخشی از سلسله مراتبی ببینند که توسط والدینشان رهبری می‌شود. در نتیجه، رابطه والد-نوجوان عمدتاً در این دوره افزایش سطح تعارض و کاهش صمیمیت را تجربه می‌کند (Fuligni & Eccles, 1993). در عین حال، با ورود نوجوانان به این دوره، رفتار والدین نیز به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در کیفیت رابطه میان والدین و نوجوانان به شمار می‌رود (Bijur et al., 1991; Turner et al., 1993). پرویزی، احمدی و نیکبخت نصرآبادی، ۱۳۸۵؛ خواجه نوری و دهقانی، ۱۳۹۵). انتظار نوجوانان برای تصمیم‌گیری مستقل، زیرسؤال بردن قدرت والدین و به چالش کشیدن مرزها و قوانین از پیش تعیین شده به دلیل کسب توانایی تفکر انتزاعی، به راحتی بستری برای تعارضات والد-نوجوان فراهم خواهد کرد (Heath, 2018). به علاوه، واکنش‌های هیجانی بلوغ، به همراه تنظیم هیجانات نوجوان که طی این دوران، به تازگی در حال شکل‌گیری است می‌تواند سبب افزایش شدت تعارضات والد-نوجوان شود (Laurson, Coy & Collins, 1998). از سوی دیگر، نوجوانی معمولاً با دوران میانسالی والدین همزمان می‌شود که اغلب مرحله چالش‌برانگیز زندگی آنهاست که به ارزیابی مجدد مسیر زندگی خود، سازگاری با شرایط جدید کار و تعریف مجدد رضایت از زندگی نیاز دارند و این امر افزایش شدت تعارض والد و فرزند در طی سال‌های نوجوانی را در پی خواهد داشت (Rogers et al., 2019).

مطالعه پژوهش‌ها در زمینه پیامدهای حاصل از این تعارضات نیز حاکی از آن است که افزایش میزان تعارض والد-نوجوان، پیش‌بینی‌کننده ایجاد افسردگی در نوجوانان و نیز والدین آنها است (Rognli et al., 2020). به‌طورکلی مطالعات بسیاری همواره ارتباط بین تعارضات والد-نوجوان و کاهش سازگاری اجتماعی، ضعف در عملکرد تحصیلی، مشکلات روان‌شناختی، و گرایش به مصرف مواد مخدر را در نوجوانان گزارش کرده‌اند (دهقان و

رسولی، ۱۳۹۴؛ قمری، امیری مجد و خوشنام، ۱۳۹۳؛ اسدی، جاویدی و قاسمی، ۱۳۹۴؛ بهرامی و بختیارپور، ۱۳۹۶؛ مهدوی و میرزاوند، ۱۳۹۹). براساس پیشینه پژوهشی، تعارض ارتباطی میان اعضای خانواده، عناصری عاطفی مانند احساس تنش، اصطکاک، رنجش، خصومت (Jehn, 1995; Jehn & Mannix, 2001)، دردهای روان‌تنی، استرس، و فرسودگی (De Dreu, Van Dierendonck & De Best-Waldhober, 2002) را به همراه دارد. به علاوه، سبب خشونت بین‌فردی گردیده، هماهنگی را مختل می‌کند (Choi & Cho, 2011) و با خشم (Curseu, Boros & Oerlemans, 2012)، سطوح پایین اعتماد (Li, Zhou & Leung, 2011) و احساس بی‌علاقگی (Martínez-Moreno et al., 2009) نیز مرتبط است. همچنین، در صورتی که با تعارض به شیوه ناسالمی برخورد شود، می‌تواند سبب جدایی، کینه، شکاف‌ها و خراش‌های جبران‌ناپذیری میان اعضای خانواده شود؛ اما در صورت مدیریت صحیح تعارض، درک هر فرد را نسبت به دیگری افزایش داده، اعتماد ایجاد کرده، و پیوندهای ارتباطی را میان افراد خانواده تقویت می‌کند (Aye et al., 2016). به علاوه، نظریه تعارض درون خانواده با این فرضیه آغاز می‌شود که اعضای خانواده، تحت تعارض، دچار فقدان هماهنگی شده‌اند و در زمان بروز تعارضات، احساس امنیت آنها در روابط موردتهدید قرار می‌گیرد. این ناهماهنگی چه از درون واحد خانواده نشئت گرفته باشد، و چه از منابع بیرونی، سبب می‌شود که هریک از افراد خانواده، گستره‌ای از پیامدها و هیجانات منفی را تجربه کنند؛ به گونه‌ای که اگر اعضاء کمک دریافت نکنند، این تعارض حل نشده، می‌تواند تمام خانواده را به صورت جبران‌ناپذیری، تخریب نماید (Aye et al., 2016). در این راستا، پژوهش پری، هریس، و مینس^۱ (۲۰۰۴)، آشکار کرد که هماهنگی ضعیف در خانواده، پیش‌بینی‌کننده قدرتمندی برای ایجاد استرس در خانواده است. فابریزیو، لام، هیرشمن، و استوارت^۲ (۲۰۱۳) نیز طی پژوهش خود دریافتند والدینی که در رابطه با فرزند خود میزان کنترل بیشتر و گرمی کمتر دارند، تعارض بیشتر و هماهنگی کمتری را در رابطه والد-فرزندی تجربه می‌کنند. این درحالی است که هماهنگی، مربوط به وضعیتی است که اعضاء خانواده در صلح و امنیت باهم معاشرت دارند، به یکدیگر توجه کرده و بدون هیچ مشاجره‌ای به یکدیگر احترام می‌گذارند. در این حالت، هریک

1. Perry, A., Harris, K. & Minnes, P.

2. Fabrizio, C., Lam, T., Hirschmann, M. & Stewart, S.

از اعضاء، وظایف، تعهدات و مسئولیت‌های خود را می‌دانند، احساس شادی و نیز روابط هماهنگ با سایر اعضا دارند. رابطه میان والدین و فرزندان در چنین خانواده‌ای، سرشار از عواطف و درک توأم با راهنمایی در جهت ارتقاء مهارت‌های فرزندان است و نوجوانانی که در خانواده‌هایی دارای هماهنگی رشد می‌کنند، به‌خوبی از توانایی اجتماعی شدن و تطابق با محیط پیرامون برخوردارند (Sitepu, 2018). اما در صورت بروز تعارض در خانواده و فقدان هماهنگی رفتارهای پرخاشگرانه و مخرب فرزندان و نیز احتمال مصرف الکل در آنها افزایش می‌یابد و می‌تواند توانایی تنظیم هیجان آنها را کاهش دهد (Zhou, King & Chassin, 2006).

از سوی دیگر، رویکردهای مختلف، تعارض میان اعضای خانواده را به‌صورت‌های متفاوتی تبیین کرده‌اند، از چشم‌انداز رویکرد سهم‌گذاری، علت زیربنایی ایجاد تعارض در روابط بین‌فردی را تلاش برای سهم‌گیری از سوی طرفین می‌داند و معتقد است وجود روابط سهم‌گیرانه، به‌عنوان سبک رایجی از برقراری ارتباط در خانواده‌ها، عامل مؤثری در به‌وجود آمدن تعارضات است. بدین‌ترتیب هدف اصلی سهم‌گذاری، تغییر نگرش و عملکرد افراد از نقطه سهم‌گیری و بهره‌وری از سایرین به نقطه سهم‌گذاری در رابطه با سایرین و خانواده است. همچنین، یکی از اصول برجسته در رویکرد سهم‌گذاری که از ظرفیت بالایی جهت حل تعارضات بین‌فردی و بهره‌مندی انسان از یک زندگی اصیل برخوردار است، اصل هماهنگی با قواعد کلی است که در آن، انسان سعادت‌مند را فردی معرفی می‌کند که بر مبنای هماهنگی با هستی عمل نماید (اسمعیلی، ۱۳۹۳). برطبق رویکرد سهم‌گذاری، اگر فرد در یکی از روابط میان‌فردی خود دچار تعارض شده باشد، علاوه بر اینکه باید هشیار باشد که اختیار دیگری را تحت کنترل نیاورد، همچنین باید در تلاش ملازمانه‌ای به فضای ذهنی فرد دیگر توجه کند. در این نظرگاه، فرد سهم‌گذار، فردی دارای خویشتن گسترده است که خود را متصل و پیوسته به سایر افراد می‌بیند و منافع خود را نیز از منافع سایرین جدا نمی‌داند، و هر تغییری و تحرکی در خود و از سوی خود را به سایر افراد، وابسته می‌بیند و می‌داند که کوچک‌ترین تغییر در او منجر به ایجاد تغییری در فضای اطراف وی خواهد شد. بدین‌صورت به فرد آگاهی داده می‌شود تا بتواند مسئله و تعارض ایجادشده را در یک بافت بزرگ‌تر ببیند، نقش و سهم حداقلی خود را در ایجاد

تعارض یا تداوم آن شناسایی کند، بر انتخاب‌ها، نگرش‌ها یا رفتارهای سهم‌گیرانه خود تمرکز کرده و مسئولیت آنها را بپذیرد. در ادامه، فرد با توجه به ظرفیت‌های خود، نقش و سهم خود را برای حل این تعارض ارتباطی و بهبود رابطه‌اش شناسایی کرده و به ارائه سهم ممکن خود در رابطه متمرکز خواهد شد و مسئولیت سهم‌گذاری خود را نیز می‌پذیرد و پس از اقدام، بر پیامدها و کیفیت ارتباط خود نظارت خواهد داشت؛ بنابراین، فرد سهم‌گذار انسانی دارای اختیار است که مسئولیت انتخاب‌های دائمی خود را می‌پذیرد. در رویارویی با مسائل چالش‌انگیز و موقعیت‌های تنش‌زا به سهمی که خود می‌تواند در رابطه بگذارد متمرکز می‌شود و این‌گونه قادر به تنظیم روابط خود، کاهش تعارضات درون‌شخصی و بین‌شخصی، و در نهایت دستیابی به عملکردی سازگار و هماهنگ در ابعاد مختلف خود خواهد بود. بر این اساس، سهم‌گذاری با اتکا بر جهان‌بینی توحیدی، و ارائه نگرشی هدف‌دار، معنادار و غایت‌گرا از زندگی، فرد را به‌خوبی با خود، دیگران و جهان هستی هماهنگ می‌سازد تا او بتواند آرایه جلوه‌های زیستن هماهنگ با هستی حیاطمند، هدفمند و پویا را تشکیل دهد و با واقعیت‌گرایی توأم با احساس امنیت ناشی از اتصال به هستی یگانه، بر توان و کارکردهای خود بیفزاید (اسمعیلی، ۱۴۰۰).

در نهایت، از آن جهت که تاکنون راهبردهای مورد استفاده والدین سهم‌گذار و غیرسهم‌گذار و اثر آن در میزان تعارض با نوجوانان آنها مورد مقایسه قرار نگرفته، مطالعه حاضر گامی در جهت پرکردن این شکاف دانشی است؛ به‌علاوه از حیث کاربردی، راهبردهای ارتباطی ویژه‌ای متناسب با بافتار فرهنگی کشور در اختیار والدین دارای نوجوان قرار می‌دهد؛ از این‌رو محقق در پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که میان راهبردهای مورد استفاده والدین سهم‌گذار کم‌تعارض با نوجوانان خود و والدین غیرسهم‌گذار پرتعارض با نوجوانان خود چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، یک پژوهش کاربردی بوده و از آنجاکه دسترسی به اطلاعات دقیق و عمیق بومی برای پاسخ به پرسش پژوهش اهمیت داشت، از رویکرد کیفی استفاده

شد و داده‌ها به روش نظریه زمینه‌ای تحلیل شده‌اند. در این پژوهش، جامعه مورد پژوهش، والدین سهم‌گذار کم‌تعارض با نوجوان خود و نیز والدین غیرسهم‌گذار پرتعارض با نوجوان خود در شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بود. نمونه‌های پژوهش از میان این والدین به روش نمونه‌گیری هدفمند و براساس ملاک‌های ورودی گزینش شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش برای والدین شامل موارد ذیل بود: ۱) دریافت نمره تعارض مدنظر در پرسش‌نامه تعارض والد-نوجوان اسدی یونسی و همکاران (۱۳۹۰)؛ ۲) دریافت نمره سهم‌گذاری مدنظر در پرسش‌نامه سبک زندگی سهم‌گذارانه اسمعیلی و همکاران (۱۴۰۱)؛ ۳) دارا بودن نوجوان ۱۴ تا ۱۸ سال؛ ۴) تمایل به همکاری در انجام پژوهش؛ ۵) رضایت آگاهانه و زمان کافی جهت انجام مصاحبه؛ و ۶) حضور هر دو والد در زندگی. همچنین، نمونه‌گیری تا حد اشباع داده‌ها ادامه یافت و تعداد نمونه‌ها در این پژوهش در بخش والدین سهم‌گذار کم‌تعارض به ۱۲ نفر و والدین غیرسهم‌گذار پرتعارض با نوجوان به ۹ نفر رسید. در این راستا، نمونه‌ها از طریق تماس با مدارس متوسطه شهر تهران و آشنایان و خانواده‌های دارای نوجوان، به شیوه‌ای هدفمند که دارای ملاک‌های لازم برای ورود به پژوهش باشند، شناسایی شده و سپس این والدین که در دو پرسش‌نامه تعارض والد-نوجوان و سبک زندگی سهم‌گذارانه حدنصاب لازم را کسب کرده و مایل به همکاری بودند، در مصاحبه شرکت کردند که با هروالد به صورت جداگانه در مکان مورد انتخاب آنها انجام گرفت و به‌طور میانگین بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. داده‌ها از طریق انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با پرسش‌های بازپاسخ از والدین جمع‌آوری شدند و روند نمونه‌گیری‌های بعدی نیز، با مفاهیم حاصل از تحلیل مصاحبه‌های اولیه، هدایت شد. از این رو، مصاحبه با پرسش‌های کلی آغاز و به سمت پرسش‌های اکتشافی پیش رفت. مصاحبه با این پرسش از والد آغاز می‌شد که «رابطه خود را با نوجوان‌تان توصیف کنید. اگر بین شما و نوجوان‌تان تعارضی رخ بدهد معمولاً از چه روش‌هایی برای کاهش این تعارض و بهبود رابطه‌تان استفاده می‌کنید؟ مثال بزنید». بدین ترتیب، جمع‌آوری همه داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت، به‌گونه‌ای که محقق دیگر به اطلاعات جدیدی در زمینه موضوع پژوهش دست نیافت. در نهایت به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده، از روش نظریه زمینه‌ای به شیوه استراوس و کوربین

استفاده شد و داده‌های ضبط شده حاصل از متن مصاحبه با والدین پیاده‌سازی و کدگذاری شده و فرایند کدگذاری داده‌ها در سه سطح باز، محوری، انتخابی انجام گرفت. پس از مشخص شدن مقوله‌ها به‌منظور تعیین روایی محتوایی، الگوی پیشنهادی به چهار متخصص مشاوره در حوزه نوجوان و خانواده ارائه گردید. در این راستا به‌منظور اعتباریابی الگوی استخراج شده، از شاخص نسبت روایی محتوایی یا CVR¹ و شاخص روایی محتوایی یا CVI² استفاده شد. در این بخش، برای شاخص CVI از چهار متخصص خواسته شد میزان مرتبط بودن اجزای الگو را با اهداف آن براساس طیف «غیرمرتبط، نیاز به بازبینی، مرتبط اما نیاز به بازبینی، و کاملاً مرتبط» مشخص کنند. تعداد متخصصانی که گزینه مرتبط اما نیاز به بازبینی، و کاملاً مرتبط را انتخاب کرده‌اند، بر تعداد کل متخصصان تقسیم کردیم. سپس مقوله‌هایی که شاخص آنها بزرگ‌تر از ۰/۷۹ بود در الگو حفظ شدند. به‌علاوه، در بخش نسبت روایی محتوایی، نظرهای این چهار متخصص در مورد اجزاء الگو بر اساس طیف لیکرت و گویه‌های «ضروری است»، «مفید است ولی ضروری نیست» و «ضرورتی ندارد» نیز جمع‌آوری شده و با استفاده از فرمول CVR هر بخش از الگو محاسبه شده و بخش‌هایی که حداقل لازم را کسب نکردند، بازبینی و اصلاح گردید و سپس الگوی خودهماهنگ‌سازی ارائه شد. نحوه محاسبه نسبت روایی محتوایی در هر پرسش براساس فرمول زیر صورت پذیرفت:

$$CVR = \frac{n_e - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

علامت‌های اختصاری به این شرح است که N تعداد کل متخصصان و n_e تعداد متخصصانی که گزینه «ضروری است» را انتخاب نموده‌اند. در این قسمت هر مؤلفه که حداقل مقدار روایی یعنی CVR آن ۰/۷۵ بود پذیرفته شد. CVR الگو در نهایت در پژوهش حاضر ۱ به‌دست آمد که کاملاً مقدار موردقبولی بود.

1. Content Validity Ratio
2. Content Validity Index

ابزار پژوهش

مصاحبه

داده‌های پژوهش حاضر از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با گروه نمونه به دست آمده است. مصاحبه‌ها با کسب اجازه و رضایت آگاهانه از افراد شرکت‌کننده ضبط و پیاده‌سازی شده و سپس از طریق روش استراوس و کوربین، کدگذاری و تحلیل شده است. محور پرسش‌ها از والدین شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی، توصیف آنها پیرامون ارتباط با نوجوانشان و راهکارهای مورد استفاده آنها جهت جلوگیری از بروز تعارض و راهکارهای حل تعارضات در صورت بروز آن و در نهایت بازخورد راهکارهای مورد استفاده آنها در ارتباط با نوجوانشان بود.

پرسش‌نامه تعارض والد-نوجوان (فرم والد)

این پرسش‌نامه توسط اسدی یونسی و همکاران (۱۳۹۰) که جهت سنجش تعارض والد-نوجوان طراحی شد، دارای دو فرم جداگانه والدین و نوجوانان است و در مطالعه حاضر از فرم والدین استفاده شد که شامل ۸۹ پرسش و ۱۴ عامل است که هر پرسش دارای دو قسمت بوده و فراوانی تعارض و شدت تعارض را می‌سنجد. عوامل که مربوط به حوزه‌های تعارض است عبارت‌اند از: نظم و ترتیب، ارتباط با دوستان، امکانات خانواده، مسائل مالی، رفتار والدین، اوقات فراغت، پوشش، آزادی عمل، تحصیل، روابط خانوادگی، خواب و خوراک، رسانه‌های ارتباطی، آداب و ارزش‌ها، انضباط، و مسائل تابو و حساس. نمره کل در هر دو جنبه شدت و فراوانی تعارض دارای همسانی درونی بالایی است. ضرایب آلفا در فرم والد برای فراوانی و شدت تعارض به ترتیب ۰/۹۶ و ۰/۹۷ است. ضرایب بازآزمایی بافاصله دو هفته نیز بسیار بالاست. ضریب همبستگی پیرسون در فرم والد بین اجرای اول و دوم برای نمره کل فراوانی و شدت تعارض به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۷۹ است. همچنین روایی همزمان و همگرایی پرسش‌نامه بررسی شد، بدین صورت که ضریب همبستگی محاسبه شده بین نمره پرسش‌نامه رفتاری تعارض با نمره کل فراوانی و شدت تعارض در فرم والد به ترتیب ۰/۶۴ و ۰/۴۱ است.

پرسش‌نامه سبک زندگی سهم‌گذارانه

این پرسش‌نامه توسط اسمعیلی، شاداب‌مهر، و دهدست (۱۴۰۲) به منظور سنجش سبک زندگی سهم‌گذارانه افراد بزرگسال تدوین شده است. پرسش‌نامه دارای ۵۹ گویه بوده و شیوه نمردهی آن براساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم است. به منظور بررسی روایی پرسش‌نامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی به روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی استفاده گردید و روایی محتوایی ابزار نیز توسط متخصصان مشاوره تأیید شد. به منظور بررسی میزان پایایی ابزار نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. کلیه تحلیل‌های آماری توسط نرم‌افزار SPSS-25 انجام گرفته و براساس یافته‌های پژوهش، تحلیل عاملی اکتشافی با مؤلفه‌های اصلی نشان داد که پرسش‌نامه سبک زندگی سهم‌گذارانه یک ابزار ۱۳ مؤلفه‌ای است که ۵۷/۲۴ درصد واریانس سهم‌گذاری را تبیین می‌کند. میزان آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه ۰/۹۳ و برای مؤلفه‌های معنامداری ۰/۷۸، مسئولیت‌مندی ۰/۷۴، عاملیت ۰/۷۳، امنیت‌مداری ۰/۷۱، معیارمندی ۰/۷۳، احترام‌مداری ۰/۷۱، نیت‌مداری ۰/۷۳، آرامش شخصی ۰/۸۰، نقش‌گذاری احسن ۰/۷۲، روابط تکوین‌بخش ۰/۶۷، پیوندزایی ۰/۶۳، هماهنگی با اهداف ۰/۶۳، و انتخاب‌گری ۰/۶۵ گزارش شد که بیانگر پایایی خوب این ابزار است. نقطه برش این پرسش‌نامه نیز براساس دامنه اطمینان ۹۵٪ در نمره کل ۱۸۹/۳۳ است. نمره پایین‌تر از ۱۸۹/۳۳ به معنای داشتن سبک زندگی سهم‌گیرانه آزمودنی است. نمره بین ۱۸۹/۳۳ تا ۲۷۴/۳۹ نشان‌دهنده سبک زندگی سهم‌گذارانه در حد متوسط برای آزمودنی بوده و نمره بالاتر از ۲۷۴/۳۹ افراد دارای سبک زندگی کاملاً سهم‌گذارانه را مشخص می‌کند.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر به منظور مقایسه میان راهبردهای مشارکت‌کنندگان، با ۱۲ نفر از والدین سهم‌گذار کم‌تعارض با نوجوان، و نیز ۹ نفر از والدین غیرسهم‌گذار پرتعارض در ارتباط با نوجوان خود، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد که پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و تحلیل و کدگذاری آنها به روش استراوس و کوربین، کدهای باز، محوری و انتخابی ویژه

هریک از گروه‌ها به صورت جداگانه مشخص و طبقه‌بندی گردید. داده‌های مستخرج از مصاحبه با والدین سهم‌گذار کم‌تعارض با نوجوان شامل ۳۶ کد باز و ۴ کد محوری و یک کد انتخابی تحت عنوان راهبردهای مولد و وسعت‌بخش والدینی در بستر اتصالی با نوجوان بود. به علاوه، نتیجه حاصل از مصاحبه با والدین غیرسهم‌گذار پرتعارض با نوجوان، مشتمل بر ۲۹ کد باز و ۴ کد محوری و یک کد انتخابی تحت عنوان راهبردهای ناکارآمد و محدودکننده والدینی در فضای انفصالی با نوجوان بوده است. در ادامه، اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه‌ها (شامل سن، جنسیت، شغل، تحصیلات) و مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌های با هر دو گروه به ترتیب در جدول ۱ تا ۴ ارائه شده است:

جدول شماره ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی والدین سهم‌گذار کم‌تعارض با نوجوان خود

کد	جنسیت والد	سن والد	تحصیلات والد	شغل والد	جنسیت نوجوان	سن نوجوان	مدت زمان مصاحبه
۱	مادر	۵۷	کارشناسی ارشد	معلم	پسر	۱۸	۹۰ دقیقه
۲	مادر	۵۳	دیپلم	خانه‌دار	پسر	۱۸	۷۰ دقیقه
۳	پدر	۳۹	کارشناسی ارشد	مهندس	پسر	۱۴	۸۵ دقیقه
۴	مادر	۵۷	تحصیلات حوزوی	خانه‌دار	پسر	۱۸	۶۵ دقیقه
۵	مادر	۴۰	دکتری	میکروبیولوژیست	دختر	۱۵	۸۰ دقیقه
۶	مادر	۳۸	کارشناسی ارشد	روان‌شناس	پسر	۱۵	۸۵ دقیقه
۷	پدر	۶۰	دکتری	مدیر شرکت	پسر	۱۷	۷۰ دقیقه
۸	مادر	۴۲	کارشناسی ارشد	کارمند	دختر	۱۶	۹۰ دقیقه
۹	پدر	۵۸	کارشناسی	کارمند	دختر	۱۷	۶۰ دقیقه
۱۰	مادر	۳۶	تحصیلات حوزوی	کارمند	دختر	۱۵	۶۰ دقیقه
۱۱	مادر	۴۹	کارشناسی ارشد	معلم	پسر	۱۴	۶۵ دقیقه
۱۲	مادر	۴۷	کارشناسی ارشد	مدرس	پسر	۱۶	۷۰ دقیقه

جدول شماره ۲: مقولات مربوط به راهبردهای مستخرج از مصاحبه با والدین سهم‌گذار کم‌تعارض با نوجوان خود

کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز
راهبردهای مولد و وسعت بخش والدینی در بستر اتصالی با نوجوان	استفاده والد از منابع در اتصال با نوجوان	استفاده از دانش بشری در حوزه نوجوان (کتاب و مشاوران)/ استفاده از رسانه و شبکه‌های اجتماعی/ استفاده از ظرفیت‌های محیطی (مدرسه)/ پیوند با اقتضائات زمانی/ ارتباط با دوستان و همسالان نوجوان/ ارتباط با الگوهای کارآمد/ استفاده از تجارب زیسته شخصی/ ارتباط با اعضای خانواده هسته‌ای/ ارتباط با خانواده‌های گسترده/
	سبک زایی والد در اتصال با نوجوان	ارائه مسئولیت به فرزند/ گفتگوی مستقیم و شفاف/ همکاری با همسر در ارتباط با نوجوان/ مشورت‌گیری و مشارکت‌دهی فرزند در تصمیم‌گیری/ محافظت از فرزند/ قاعده‌گذاری و چهارچوب‌دهی/ آگاهی‌بخشی نسبت به پیامد انتخاب‌ها/ راهنمایی و هدایت‌گری از طریق ارائه الگوهای کارآمد یا ناکارآمد/ نظارت دوسویه (متقابل) والد و نوجوان/ سکوت و خویشن‌داری/ انعطاف‌پذیری والد در ارتباط با فرزند/ متقاعدسازی یکدیگر و دستیابی به موافقت دوجانبه/ ارائه گزینه جایگزین/ رعایت انصاف/ ارتباط محترمانه/
	عاطفه زایی والد در اتصال با نوجوان	ابراز محبت غیرکلامی/ ابراز محبت و دل‌تنگی کلامی متقابل/ گرمی و صمیمیت/ همدلی و درک فرزند و انعکاس احساسات/ همراهی با فرزند/ حمایت کردن از فرزند/ ایجاد فضای امن/ اعتماد کردن به فرزند/

کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز
	زبان زایی والد در اتصال با نوجوان	جملات تأییدکننده و تحسین‌کننده/ به‌کارگیری جملات طنزآمیز/ لحن صدای آرام و ملایم/ واژگان دوستانه متناسب با دوره نوجوانی/ آموزش مستقیم مهارت‌های ارتباطی/ مخالفت غیرمستقیم از طریق پرسش‌ها/ خاطره‌گویی و داستان‌پردازی هدفمند/

جدول شماره ۳: اطلاعات جمعیت‌شناختی والدین غیرسهم‌گذار پرتعارض با نوجوان خود

کد	جنسیت والد	سن والد	تحصیلات والد	شغل والد	جنسیت نوجوان	سن نوجوان	مدت زمان مصاحبه
۱	مادر	۴۰	دیپلم	خانه‌دار	دختر	۱۶	۹۰ دقیقه
۲	مادر	۵۳	دیپلم	خانه‌دار	پسر	۱۷	۷۰ دقیقه
۳	پدر	۶۲	سیکل	راننده	پسر	۱۸	۸۵ دقیقه
۴	مادر	۴۷	کارشناسی	کارمند	پسر	۱۸	۶۵ دقیقه
۵	مادر	۵۱	دیپلم	خانه‌دار	پسر	۱۶	۸۰ دقیقه
۶	مادر	۵۴	دیپلم	خانه‌دار	پسر	۱۷	۸۵ دقیقه
۷	پدر	۵۹	فوق دیپلم	نظامی	پسر	۱۸	۷۰ دقیقه
۸	مادر	۴۳	کارشناسی	کارمند	دختر	۱۶	۹۰ دقیقه
۹	مادر	۵۱	سیکل	خانه‌دار	دختر	۱۷	۶۰ دقیقه

جدول شماره ۴: مقولات مستخرج از مصاحبه با والدین غیرسهم‌گذار پرتعارض با نوجوان خود

کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز
	بی‌توجهی والد نسبت به منابع مرتبط با نوجوان	عدم بهره‌مندی از دانش (کتاب و مشاوران) در حوزه نوجوان/ استفاده از رسانه‌های نامناسب/ تعامل ناکافی با مدرسه/ بی‌توجهی به تغییرات نسل و اقتضائات زمانی/ شناخت ناکافی دوستان و همسالان نوجوان/ ارتباط آسیب‌زا با اعضای خانواده هسته‌ای/

کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز
راهبردهای ناکارآمد و محدودکننده والدینی در فضای انفصالی با نوجوان	استفاده از سبک‌های ناکارآمد در ارتباط با نوجوان	ارتباط آسیب‌زا با خانواده‌های گسترده اجتناب از ارائه مسئولیت به فرزند/ عدم همکاری همسران در ارتباط با نوجوان/ فقدان مشورت و عدم مشارکت‌دهی فرزند در تصمیم‌گیری‌ها / محافظت ناکافی از فرزند/ قاعده‌گذاری نامناسب/ عدم ارائه راهنمایی‌های لازم به فرزند/ عدم نظارت بر نوجوان/ انعطاف‌ناپذیری والد در ارتباط با فرزند/ انجام تنبیه‌های نامناسب/ عدم پذیرش تفاوت‌های فردی فرزند/ انجام مقایسه مخرب/ فقدان ارتباط محترمانه/
	ابراز عواطف محدود و ناکافی در ارتباط با نوجوان	ابراز محبت ناکافی به فرزند/ صمیمیت ناکافی با فرزند/ همدلی و همراهی ناکافی با فرزند/ اعتماد ناکافی به فرزند/
	زبان ناکارآمد و محدودکننده در ارتباط با نوجوان	اجتناب از به‌کارگیری جملات تأییدکننده و تحسین‌کننده/ اجتناب از به‌کارگیری جملات طنزآمیز/ نصیحت‌های بیش‌ازحد/ واژگان مستبدانه و نامتناسب با دوره نوجوانی/ ابراز مخالفت تند و مستقیم / ارائه استدلال‌های ناکارآمد/

پرسش پژوهش: میان راهبردهای مورد استفاده والدین سهم‌گذار کم‌تعارض با نوجوانان خود و والدین غیرسهم‌گذار پرتعارض با نوجوانان خود چه تفاوتی‌هایی وجود دارد؟

الف) راهبردهای مولد و وسعت‌بخش والدینی در بستر اتصالی با نوجوان

یکی از کدهای انتخابی است که به‌عنوان راهبرد در الگو شناسایی شده و شامل چهار شناسه محوری است که فهرست گردیده‌اند و با نمونه‌ای از مصاحبه مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شوند. این راهبردها در واقع شیوه‌هایی هستند که والد به‌منظور مدیریت تعارض با نوجوان و داشتن رابطه رضایت‌بخش و آرام با فرزند خود به‌کار می‌گیرد.

۱- استفاده والد از منابع در اتصال با نوجوان: استفاده از دانش بشری در حوزه نوجوان (کتاب و مشاوران)، استفاده از رسانه و شبکه‌های اجتماعی، استفاده از ظرفیت‌های محیطی (مدرسه)، پیوند با اقتضائات زمانی، ارتباط با دوستان و همسالان نوجوان، ارتباط با الگوهای کارآمد، استفاده از تجارب زیسته شخصی، ارتباط با اعضای خانواده هسته‌ای، و ارتباط با خانواده‌های گسترده: «وقتی بچه‌ام به حرفایی می‌زنه که زیاد جالب نیست، می‌گردم بینم چجوری میتونم بیشتر بفهمم که چی مد نظرش بوده، بعضی موقع میرم سراغ مشاور، کمک میگیرم، رها نمیکنم. خیلی وقتم کتاب روابط با نوجوان میخونم.»، «دیگه از ۱۲ سالگی اینا من احساس کردم علی‌بزرگتر شده و به چیزایی باید بیشتر براش لحاظ بشه و به نظراتش بیشتر اهمیت میدم. تو دوران بچگی اینطور نبوده، اونموقع اقتضائات خودشو داشته و الان دیگه متفاوتیم.»

۲- سبک‌زایی والد در اتصال با نوجوان: ارائه مسئولیت به فرزند، گفتگوی مستقیم و شفاف، همکاری با همسر در ارتباط با نوجوان، مشورت‌گیری و مشارکت‌دهی فرزند در تصمیم‌گیری، محافظت از فرزند، قاعده‌گذاری و چهارچوب‌دهی، آگاهی‌بخشی نسبت به پیامد انتخاب‌ها، راهنمایی و هدایتگری از طریق ارائه الگوهای کارآمد یا ناکارآمد، نظارت دوسویه (متقابل) والد و نوجوان، سکوت و خویش‌ن‌داری، انعطاف‌پذیری والد در ارتباط با فرزند، متقاعدسازی یکدیگر و دستیابی به موافقت دوجانبه، ارائه گزینه جایگزین، رعایت انصاف، و ارتباط محترمانه: «وقتی بچم اشتباه میکنه من و خانومم باهم هماهنگ میکنیم بصورت خوف و رجاء عمل کنیم. مثلاً من سرسنگین میشم متوجه میشه، بعد میره سراغ

مادرش میگه جریان چیه، و او میگه از اون کارت ناراحته منتها به روت نمیاره و یه مقدار سرسنگین شده خودت باید حش کنی، جبران کنی»، «چهارچوب مالی زندگی ما مشخصه، بهش توضیح میدم پسر من ما درآمدمون و مخارجمون همراه به این صورته. و میگم شما حالا اگر یه موقع غیر از جیب خرجی، پولی نیاز داشتی ما فقط تو این محدوده میتونیم در خدمت باشیم. محدوده رو براش مشخص میکنیم و میدونه که زیاده‌خواهی نمیتونه بکنه».

۳- عاطفه‌زایی والد در اتصال با نوجوان: ابراز محبت غیرکلامی، ابراز محبت و دلتنگی کلامی متقابل، گرمی و صمیمیت، همدلی و درک فرزند و انعکاس احساسات، همراهی با فرزند، حمایت کردن از فرزند، ایجاد فضای امن، و اعتماد کردن به فرزند: «وقتی که ناراحت میشه باهاش همدلی میکنم، مثلاً یه بار که اجازه ندادم سفر بره با دوستا و خیلی ناراحت بود، گفتم پسر من دوست داشتی بری، خیلی حساب کردی رو این رفتن و ناراحتی، منم تایم‌هایی رو داشتم که این اتفاق برام افتاده، منم محروم شدن‌هایی رو داشتم اتفاقاً، من به تو سختگیری نمیخوام بکنم ولی بعضی وقتا این حالت هم ممکنه پیش بیاد»، «یوقتی هم میبینم تو هم رفته، میره تو تختش پتو رو میکشه رو خودش، انموقع هیچی نمیگم، میرم یه جوری دستمو میزنم رو پتو میام بیرون، یعنی ببین من اومدم تو اتاقت دیدم که رفتی اون زیر، حوصله حرف زدن نداری، من بودم توی این موقعیت‌ها، هستم تو سختیات، هواتو دارم».

۴- زبان‌زایی والد در اتصال با نوجوان: جملات تأییدکننده و تحسین‌کننده، به‌کارگیری جملات طنزآمیز، لحن صدای آرام و ملایم، واژگان دوستانه متناسب با دوره نوجوانی، آموزش مستقیم مهارت‌های ارتباطی، مخالفت غیرمستقیم از طریق پرسش‌ها، خاطره‌گویی و داستان‌پردازی هدفمند: «از زمانی که من به این تشخیص رسیدم که باید روابط کلامی من به یه مقدار طنزآمیز باشه و طنز رو اضافه کردم به کلامم تو ارتباطاتم با فرزندم، احساس کردم روزبه‌روز داره فضا بین من و صمیمی‌تر میشه»، «بعضی وقتا نظرمو توقالب خاطره یا تجربه یکی از اطرافیان بهش میگم، غیرمستقیم. یه بار گفتم با فلانی رفته بودیم بیرون پسرش اومد یه چیزی میخواست مادرش گفت الان نمیتونم، پسر یه چشم غره‌ای به مادر رفت من تنم لرزید، انقدر بدم اومد، آدم مگه انقدر بی پروا میشه نسبت به بزرگترش،

اونم جلو دیگران. من بودم دیگه نگاه به صورت بچهام نمی‌کردم تا مدت‌ها، اگه انقدر بی‌شرم باشه. با این توضیحا مثلا بهش می‌فهمونم یه وقت نظیر اینکارارو انجام نده».

ب) راهبردهای ناکارآمد و محدودکننده والدینی در فضای انفصالی با نوجوان

۱- بی‌توجهی والد نسبت به منابع مرتبط با نوجوان: شامل عدم بهره‌مندی از دانش (کتاب و مشاوران) در حوزه نوجوان، استفاده از رسانه‌های نامناسب، تعامل ناکافی با مدرسه، بی‌توجهی به تغییرات نسل و اقتضائات زمانی، شناخت ناکافی دوستان و همسالان نوجوان، ارتباط آسیب‌زا با اعضای خانواده هسته‌ای، ارتباط آسیب‌زا با خانواده‌های گسترده است. «پسرم رابطه اش با پسر خاله‌هاش خیلی خوبه باهم جوونن میرن قلیون میکشن حالا بعضی وقتا تفریحی مشروب اینا می‌خورن خیلی دوست داره پسرم خوشحاله وقتی بااوناست منم کارشون ندارم»، «بیخشید به نظر من این روان‌شناسا و مشاورا خودشون روانی‌اند، همینا نوجوانارو پر رو کردن، انقدر همش میگن به نوجوون حق بدین، ماهم نوجوان بودیم کی اینجوری بود، من به حرفای روان‌شناسا اعتقاد ندارم».

۲- استفاده از سبک‌های ناکارآمد در ارتباط با نوجوان: شامل اجتناب از ارائه مسئولیت به فرزند، عدم همکاری همسران در ارتباط با نوجوان، فقدان مشورت و عدم مشارکت‌دهی فرزند در تصمیم‌گیری‌ها، محافظت ناکافی از فرزند، قاعده‌گذاری نامناسب، عدم ارائه راهنمایی‌های لازم به فرزند، عدم نظارت بر نوجوان، انعطاف‌ناپذیری والد در ارتباط با فرزند، انجام تنبیه‌های نامناسب، عدم پذیرش تفاوت‌های فردی فرزند، انجام مقایسه مخرب، فقدان ارتباط محترمانه است. «به خیال خودش بزرگ شده تو همه مسائل نظر میده، بهش گفتم تو هنوز از این چیزا سر در نمیاری، اسم تو جواده هر وقت گفتن جواد بگو بله، چقدرم بهش بر خورد پررو شدن بچه‌های امروز»، «اون دوتا دخترم خیلی آروم و خوب و درس خونند من نمیدونم این به کی رفته اخلاقش، خیلی سرخود و سرخوشه، هرکاری دلش میخواد میکنه، من خودم میدونم که اشتباهه‌ها ولی وقتی یه کاری میکنه از دستش عصبانی میشم یه دفعه میرم سمتش که بزمن نمیخوام بزمن تهدیدش می‌کنم».

۳- ابراز عواطف محدود و ناکافی در ارتباط با نوجوان: شامل ابراز محبت ناکافی به فرزند، صمیمیت ناکافی با فرزند، همدلی و همراهی ناکافی با فرزند، اعتماد ناکافی به فرزند است.

«بعضی خانواده‌ها بچه هاشونو لوس بار میارن، اصلاً دوست ندارم، مثلاً دخترم هی میاد منو بغل کنه بدم میاد میگم دست نزن به من، گاهی وقتا میگه مامان سرمو بذارم رو پات، میگم یعنی چی زشته بزرگ شدی از این لوس بازی خوشم نمیاد»، «نازنین خیلی پرتوقعه، دوست داره حرف میزنه دائم گوش کنم بهش حق بدم منم کلی کار دارم، بعدم همیشه که هروقت حرف میزنه تأییدش کنم، انتظار داره هرچی ناله میکنه من باهاش پیش برم».

۴- زبان ناکارآمد و محدودکننده در ارتباط با نوجوان: شامل اجتناب از به‌کارگیری جملات تأییدکننده و تحسین‌کننده، اجتناب از به‌کارگیری جملات طنزآمیز، نصیحت‌های بیش‌ازحد، واژگان مستبدانه و نامتناسب با دوره نوجوانی، ابراز مخالفت تند و مستقیم، ارائه استدلال‌های ناکارآمد است. «کلاً اخلاق من اینجوریه که با بچه شوخی نمیکنم و نمیذارم بچه باهام شوخی کنه یعنی رو نمیدم، اینجوری جایگاه پدریم بیشتر حفظ میشه، بزرگم بشه بازم بالاخره حساب میبره»، «از مدرسه محمد به ما زنگ زده بودن، بهش گفتم چرا درس نمیخونی؟ میگه خسته‌ام حال ندارم، گفتم چیکار می‌کنی که خسته میشی، مفت میخوری و میخوابی، من همسن تو بودم از مدرسه میومدم باید میرفتم طویله رو تمیز می‌کردم، اینجا که برای تو کاروانسراست».

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، با استفاده از رویکرد کیفی، مقایسه میان راهبردهای اتخاذشده توسط والدین سهم‌گذار کم‌تعارض و غیرسهم‌گذار پرتعارض با نوجوان در مدیریت تعارض آنها با نوجوانان‌شان، ارائه گردید. برطبق یافته‌های پژوهش، به‌کارگیری راهبردهای مولد و وسعت‌بخش در بستر اتصالی با نوجوان توسط والدین سهم‌گذار سبب مدیریت هرچه بهتر تعارضات میان آنها با نوجوانان‌شان شده است. یکی از راهبردهای مولد و وسعت‌بخش به‌کارگرفته شده توسط والدین، استفاده از دانش بشری در حوزه نوجوان بود که هریک از برخی از منابع را مورد استفاده قرار می‌دادند. این منابع عبارت بودند از: مطالعه کتب مرتبط با حوزه نوجوان، بهره‌مندی از رسانه و شبکه‌های اجتماعی در این زمینه، استفاده از ظرفیت‌های محیطی مانند مدرسه، پیوند با اقتضائات زمانی، ارتباط با دوستان و همسالان نوجوان، ارتباط با الگوهای کارآمد، استفاده از تجارب زیسته شخصی، ارتباط با اعضای

خانواده هسته‌ای، و نیز ارتباط با خانواده‌های گسترده که به‌منظور پیشگیری و کاهش تعارضات در ارتباط با نوجوان خود از این منابع مؤثر بهره بردند. این درحالی بود که والدین غیرسهم‌گذار نسبت به بهره‌مندی از منابع مرتبط با نوجوانان کاملاً بی‌توجه بوده و از این امر غفلت ورزیده‌اند. در پژوهش‌های همسو با یافته‌های فوق، *Erickson et al. (2016)*، نقش آگاهی والدین از فناوری‌های جدید را برای چهارچوب‌دهی به فرزندان نوجوان و رابطه مؤثر با آنها ضروری دانستند. *Ajzen & Fishbein (2005)* هم در مورد ضرورت توجه والدین به محیط نوجوانان، به‌ویژه ارتباط با دوستان و همسالان و نیز فضای مدرسه تأکید کردند.

همچنین، والدین سهم‌گذار توانسته بودند از طریق به‌کارگیری برخی از این راهبردها مانند ارائه مسئولیت به فرزند، گفتگوی مستقیم و شفاف، همکاری با همسر در ارتباط با نوجوان، مشورت‌گیری و مشارکت‌دهی فرزند در تصمیم‌گیری، محافظت از فرزند، قاعده‌گذاری و چهارچوب‌دهی، آگاهی‌بخشی نسبت به پیامد انتخاب‌ها، راهنمایی و هدایتگری از طریق ارائه الگوهای کارآمد یا ناکارآمد، نظارت دوسویه والد و نوجوان، سکوت و خویش‌ن‌داری، انعطاف‌پذیری والد در ارتباط با فرزند، متقاعدسازی یکدیگر و دستیابی به موافقت دوجانبه، ارائه گزینه جایگزین، رعایت انصاف، و نیز ارتباط محترمانه، در ارتباط با نوجوان خود از سبک‌زایی مؤثری بهره‌مند گردند که به کاهش تعارضات در این رابطه بسیار کمک کرد. درحالی‌که والدین غیرسهم‌گذار با استفاده از سبک‌های ناکارآمد به تعارض با نوجوان خود بیشتر دامن زده و در مدیریت رابطه به موفقیت نائل نمی‌شدند. در این راستا پژوهش‌های بسیاری اثر به‌کارگیری راهبردهای کارآمد را تأیید و همراهی می‌کند (*Barnes et al., 2006*; *Chen, 2010*; *Harris-McKoy, & Cui, 2013*; *Soper et al., 2010*; *Erickson et al., 2016*).

راهبرد مولد و وسعت‌بخش دیگری که والدین سهم‌گذار کم‌تعارض حاضر در پژوهش از آن استفاده کرده‌اند، عاطفه‌زایی بود اعم از ابراز محبت غیرکلامی، ابراز محبت و دلتنگی کلامی متقابل، گرمی و صمیمیت، همدلی و درک فرزند و انعکاس احساسات، همراهی با فرزند، حمایت کردن از فرزند، ایجاد فضای امن، و نیز اعتماد کردن به فرزند که توانستند کاهش تعارض با نوجوان خود را تجربه کنند. پژوهش‌های بسیاری همسو با یافته‌های فوق، معتقدند والدینی که دارای رابطه گرم و پذیرا با نوجوان خود بوده و آنها را مورد تشویق و حمایت قرار می‌دهند، نوجوانان آنها علاوه بر تجربه تعارضات کمتر، تمایل

کمتری برای بروز رفتارهای لجاجت‌آمیز و سرکشی و مخالفت با والدین خود دارند (Klevens & Hall, 2014; Kravchuck, 2014; Nelson et al., 2011). این امر در حالی بود که والدین غیرسهم‌گذار به دلیل ابراز عواطف محدود و ناکافی در ارتباط با فرزندشان، نتوانستند تعارض ارتباطی را مدیریت کنند.

از سوی دیگر، پژوهش آشکار کرد که در تقابل با والدین غیرسهم‌گذار که دارای زبان ناکارآمد و محدودکننده در ارتباط با فرزند خود هستند، والدین سهم‌گذار از طریق راهبرد زبان‌زایی با به‌کارگیری جملات تأییدکننده و تحسین‌کننده، جملات طنزآمیز، لحن صدای آرام و ملایم، واژگان دوستانه متناسب با دوره نوجوانی، آموزش مستقیم مهارت‌های ارتباطی، مخالفت غیرمستقیم از طریق پرسش‌ها، خاطره‌گویی و نیز داستان‌پردازی هدفمند توانسته‌اند تا حدودی از بروز تعارض در ارتباط با نوجوان خود پیشگیری کنند و رابطه آرامش‌بخشی را تجربه کنند. همسو با این یافته‌ها، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که برقراری گفتگوی صمیمانه میان والدین و نوجوان علاوه بر کاهش تعارضات میان آنها می‌تواند احساسات مثبت را برقرار ساخته و نوجوان را از رفتارهای پرخطر محافظت نماید (Huebner & Howell, 2003; Ensign, Scherman & Clark, 1998). بیابانگرد، ۱۳۸۳).

به‌طور کلی در تبیین راهبردهای مولد و وسعت‌بخش والدین سهم‌گذار کم‌تعارض می‌توان این‌گونه توضیح داد که مهارت‌های برقراری ارتباط مثبت و استفاده از راهبردهای صحیح، به‌طور منظم مجوزی برای بحث منطقی پیرامون مسائل مربوطه و موضوع تعارض را می‌دهند. این در حالی است که یکی از مشکلات ارتباطی میان والدین و نوجوان استفاده والدین از راهبردهای حل تعارض ناکارآمد و غیرانطباقی است. در این راستا، پرخاش والدین در تعارضات نمایانگر راهبردهای پیکاری، و کنارگیری و انطباق نمایانگر راهبردهای گریزی هستند که جزء راهبرد ناکارآمد در حل تعارضات والد-نوجوان به‌شمار می‌آیند (Metz et al., 1994). از این رو والد دارای نگرش سهم‌گذارانه تمرکز بر روی خواسته‌هایی است که مربوط به خودش و در حوزه اراده و نقش‌گذاری خود اوست نه اینکه در زمینه کنترل فرزند یا درگیر شدن با او باشد. چنین والدی ادراک می‌کند که صرفاً می‌تواند در نقش والدینی خود تلاش کند که آگاهی‌دهنده و معرفی‌کننده و ارائه‌دهنده و نیز

راهنمایی‌کننده خوبی برای فرزندش باشد؛ اما نمی‌تواند تغییردهنده تصمیمات و انتخاب‌های فرزند خود باشد. او در هر زمینه‌ای صرفاً راهبردهای تحت کنترل خود را تغییر می‌دهد و اصلاح می‌کند و آن را به شکل بهتری ارائه می‌کند و درعین حال می‌داند که مسئول انتخاب‌های فرزند خود نیست و صرفاً مسئول نحوه بودن خود در نقش والدینی خویش است، پس تلاش می‌کند در انتخاب‌گری‌های آگاهانه خود در موقعیت‌های ارتباطی با نوجوانش ورزیده شود. این والدین با برخورداری از نگرش سهم‌گذارانه هر یک تا اندازه‌ای توانسته‌اند به سمت اتخاذ راهبردهای مولد و وسعت‌بخش حرکت کنند که درنهایت از بروز تعارض در ارتباط با نوجوان خود پیشگیری کرده و به مدیریت آن کمک کردند. درنتیجه، این راهبردها درواقع شیوه‌هایی هستند که والد به‌منظور مدیریت تعارض با نوجوان و داشتن رابطه رضایت‌بخش و آرام با فرزند خود و نیز رشد و توسعه شخصیتی خود جهت نقش‌گذاری احسن در والدگری به‌کار می‌گیرد.

درنهایت، لازم به ذکر است که این پژوهش، از نوع کیفی با تعداد نمونه‌های محدود بوده و با محدودیت در تعمیم نتایج روبه‌روست، و از سوی دیگر، این پژوهش صرفاً در بین والدین و نوجوانان ساکن شهر تهران انجام گرفته، درحالی‌که شهرهای متفاوت احتمالاً از حیث فرهنگی مسائل منحصربه‌فردی را داراست؛ بنابراین باتوجه به اهمیت مدیریت تعارضات میان والدین و نوجوانان پیشنهاد می‌گردد که این الگو بر مبنای تجارب والدین و نوجوانان در سایر شهرها نیز طراحی شود و همچنین الگوی مشاوره‌ای برای والدین و نوجوانان در این راستا تدوین و اجرا گردد و اثربخشی آن در کاهش تعارضات میان والدین و نوجوان بررسی شود. به‌علاوه، پیشنهاد می‌شود آموزه‌های این الگو در قالب کارگاه روانی-آموزشی جزئی از برنامه آموزش خانواده در مدارس برای والدین قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش موازین اخلاقی شامل رضایت آگاهانه، رازداری و حفظ حریم خصوصی شرکت‌کنندگان رعایت شده، تمامی شرکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شد. همچنین حق انتخاب جهت ادامه یا انصراف از مشارکت در پژوهش به آنها توضیح داده شده بود.

سهم نویسندگان: نویسنده مسئول مراحل فرایند پژوهشی را مدیریت نموده و مسئول نگارش مقاله است.

حمایت مالی: مقاله حاضر تحت حمایت مالی هیچ سازمانی نبوده و نویسندگان هزینه‌های انجام را تقبل نموده‌اند.

تعارض منافع: پژوهشگران اعلام می‌دارند که یافته‌های این مطالعه هیچ‌گونه تضاد با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.

قدردانی: بدی‌نوسیده از کلیه شرکت‌کنندگان که با شرکت خود در پژوهش، به روند اجرای طرح کمک کردند، سپاسگزاری می‌شود.

منابع

اسدی، الهه؛ جاویدی، حجت‌اله و قاسمی، نوشاد (۱۳۹۴). رابطه تعارض والد-نوجوان، تاب‌آوری با مشکلات روان‌شناختی نوجوانان مقطع دوم و سوم راهنمایی در مناطق چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز. *نشریه مطالعات روان‌شناختی جوانان*. ۱۱(۱): ۷۵-۹۶.

اسدی یونسی، م.؛ مظاهری، م.ع.؛ شهیدی، ش.؛ طهماسیان، ک. و فیاض بخش، م. ر. (۱۳۹۰). تدوین و اعتباریابی پرسش‌نامه سنجش تعارض والد-نوجوان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۸(۱۲)، ۷۰-۴۷.

اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۳). ارائه الگوی خانواده درمانی سهم‌گذاری در حل تعارضات خانواده. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*. ۵(۲۰): ۲۷-۵۷.

اسمعیلی، معصومه (۱۴۰۰). تربیت مشاور با رویکرد سهم‌گذاری (صوت کارگاه). برگرفته از سایت <https://masiresolh.ir>

اسمعیلی، معصومه؛ شاداب‌مهر، فهیمه و دهدست، کوثر (۱۴۰۲). تدوین و بررسی برخی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه سبک زندگی سهم‌گذارانه. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*. ۲۲(۸۶): ۵۶-۸۷.

بهرامی، سمیه و بختیارپور، سعید (۱۳۹۶). رابطه تعارض والد-فرزند و جو عاطفی خانواده با عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهرستان کارون. *مجله*

روان‌شناسی اجتماعی. ۱۲(۴۳): ۴۵-۵۳.

پرویزی، سرور؛ احمدی، فضل‌الله و نیک‌بخت نصرآبادی، علیرضا (۱۳۸۵). مثلث طلایی خانواده، سلامت، و نوجوان. *مجله روان‌شناسی*. ۱۰(۳۸): ۱۵۶-۱۶۸.

خواجه‌نوری، بیژن و دهقانی، رودابه (۱۳۹۵). مشکلات نوجوانان و ارتباط آن با نهاد خانواده؛ مورد مطالعه: رابطه تعارضات والدینی و سلامت روان نوجوانان.

جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۳(۷)، ۳۷-۶۶.

دهقان، مجتبی و رسولی، علی (۱۳۹۴). نقش تعارض والد-فرزند و سبک‌های اسنادی در پیش‌بینی سازگاری اجتماعی دختران نوجوان. *فصلنامه نسیم تندرستی*. ۴(۳): ۲۱-۲۷.

قمری، محمد؛ امیری مجد، مجتبی و خوشنام، امیرحسین (۱۳۹۳). رابطه عملکرد خانواده و تعارض والد-نوجوان با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی. *نشریه آموزش و ارزشیابی(علوم تربیتی)*. ۷(۲۸): ۵۱-۶۲.

مهدوی، سمیره و میرزاوند، جهانگیر (۱۳۹۹). رابطه علی تعارض والد-فرزند، اضطراب، احساس تنهایی و کنترل شخصی به‌عنوان پیش‌بیننده‌های گرایش به مصرف مواد مخدر

در نوجوانان. *فصلنامه اعتیادپژوهی سوءمصرف مواد*. ۱۴(۵۵): ۱۱۵-۱۳۲.

Ajzen, I. & Fishbein, M. (2005). The influence of attitudes on behavior. *The handbook of attitudes*, 173(221), 31.

Aye, E. N., Akaneme, I. N., Adimora, E. D., Offorka, T. O., Robinson, A., Nwosu, P. O., & Ngozi, F. (2016). Family conflict and managing strategies: implication for understanding emotion and power struggles. *Global Journal of Psychology Research: New Trends and Issues*, 6(3), 148-159.

Barnes, G. M., Hoffman, J. H., Welte, J. W., Farrell, M. P., & Dintcheff, B. A. (2006). Effects of parental monitoring and peer deviance on substance use and delinquency. *Journal of Marriage and Family*, 68(4), 1084-1104.

Bijur, P. E., Kurzon, M., Hamelsky, V., & Power, C. (1991). Parent-adolescent conflict and adolescent injuries. *Journal of Developmental and Behavioral Pediatrics*, 12, 92-97.

Chen, X. (2010). Desire for autonomy and adolescent delinquency: A latent growth curve analysis. *Criminal Justice and Behavior*, 37(9), 989-1004.

Choi, K., & Cho, B. (2011). Competing Hypotheses Analyses of the Associations between Group Task Conflict and Group Relationship Conflict. *Journal of Organizational Behavior*, 32, 1106-1126

Curseu, P. L., Boros, S., & Oerlemans, L. A. G. (2012). Task and Relationship Conflict in Short-term and Long-term Groups: The Critical Role of Emotion Regulation. *International Journal of Conflict Management*, 23(1), 97-107.

De Dreu, C. K. W., Van Dierendonck, D., & De Best-Waldhober, M. (2002). Conflict at Work

- and Individual Well-being. In M. Schabracq, J. A. M. Winnubst, & C. L. Cooper (Eds.), *The Handbook of Work and Health Psychology* (pp. 495–515). Chichester, UK: Wiley.
- Ensign, J., Scherman, A., & Clark, J. J. (1998). The relationship of family structure and conflict to levels of intimacy and parental attachment in college students. *Adolescence*, 33(131), 575.
- Erickson, L. B., Wisniewski, P., Xu, H., Carroll, J. M., Rosson, M. B., & Perkins, D. F. (2016). The boundaries between: Parental involvement in a teen's online world. *Journal of the Association for Information Science and Technology*, 67(6), 1384-1403.
- Fabrizio, C. S., Lam, T. H., Hirschmann, M. R., & Stewart, S. M. (2013). A brief parenting intervention to enhance the parent-child relationship in Hong Kong: Harmony@ Home. *Journal of Child and Family Studies*, 22(5), 603-613.
- Fulgini, A. J., & Eccles, J. S. (1993). Perceived parent-child relationships and early adolescents' orientation toward peers. *Developmental psychology*, 29(4), 622.
- Harris-McKoy, D., & Cui, M. (2013). Parental control, adolescent delinquency, and young adult criminal behavior. *Journal of child and family studies*, 22, 836-843.
- Heath, P. (2018). *Parent-Child Relations: Context, Research, and Application*, 4th edition. Pearson.
- Huebner, A. J., & Howell, L. W. (2003). Examining the relationship between adolescent sexual risk-taking and perceptions of monitoring, communication, and parenting styles. *Journal of adolescent health*, 33(2), 71-78.
- Jehn, K. A. (1995). A Multi-method Examination of the Benefits and Detriments of Intragroup Conflict. *Administrative Science Quarterly*, 40, 256-282.
- Jehn, K. A., & Mannix, E. A. (2001). The Dynamic Nature of Conflict: a Longitudinal Study of Intragroup Conflict and Group Performance. *Academy of Management Journal*, 4(2), 238-251.
- Klevens, J., & Hall, J. (2014). The importance of parental warmth, support, and control in preventing adolescent misbehavior. *Journal of Child and Adolescent Behavior*, 2(1), 121-129.
- Kravchuck, S. J. (2014). A qualitative investigation of successful male adolescent development: the perspectives of well-functioning male adolescents and their parents. Doctoral thesis, chestnut Hill college, United States.
- Laursen, B., Coy, K. C., & Collins, W. A. (1998). Reconsidering changes in parent-child conflict across adolescence: a meta-analysis. *Child Development*, 69, 817 .
- Li, F., Zhou, F., & Leung, K. (2011). Effects of Task and Relationship Conflicts on Individual Workbehaviors. *International Journal of Conflict Management*, 22(2), 131-150.
- Martínez-Moreno, E., González-Navarro, P., Zornoza, A., & Ripoll, P. (2009). Relationship, Task and Process Conflicts on Team Performance: The Moderating Role of Communication Media. *International Journal of Conflict Management*, 20(3), 251-268.
- Metz, M. E., Rosser, B. S., & Strapko, N. (1994). Differences in conflict-resolution styles among heterosexual, gay, and lesbian couples. *Journal of sex research*, 31(4), 293-308.
- Nebel-Schwalm, M. S. (2006). The relationship between parent-adolescent conflict and academic achievement.

- Nelson, L. J., Padilla-Walker, L. M., Christensen, K. J., Evans, C. A., & Carroll, J. S. (2011). Parenting in emerging adulthood: An examination of parenting clusters and correlates. *Journal of youth and adolescence, 40*, 730-743.
- O'Donohue, W. T., Benuto, L. T., & Tolle, L. W. (2013). *Handbook of adolescent health psychology* (p. 376). Berlin/Heidelberg: Springer.
- Perry, A., Harris, K., & Minnes, P. (2004). Family environments and family harmony: An exploration across severity, age, and type of DD. *Journal on Developmental Disabilities, 11*(1), 17-30.
- Rogers, A. A., Padilla-Walker, L. M., McLean, R. D., & Hurst, J. L. (2020). Trajectories of perceived parental psychological control across adolescence and implications for the development of depressive and anxiety symptoms. *Journal of Youth and Adolescence, 49*(1), 136-149.
- Rognli, E. W., Waraan, L., Czajkowski, N. O., Solbakken, O. A., & Aalberg, M. (2020). Conflict with Parents in Adolescent Depression: Associations with Parental Interpersonal Problems and Depressive Symptoms. *Child Psychiatry & Human Development, 1-11*.
- Sitepu, E. (2018). Family harmony to student learning outcomes. *IOSR Journal of Humanities and Social Science (IOSR_JHSS), 23*(2), 71-75.
- Soper, A. C., Wolchik, S. A., Tein, J. Y., & Sandler, I. N. (2010). Mediation of a preventive intervention's 6-year effects on health risk behaviors. *Psychology of Addictive Behaviors, 24*(2), 300.
- Turner, R. A., Irwin, C. E., Jr., Tschann, J. M., & Millstein, S. G. (1993). Health. *Psychology, 12* (3), 200-208.
- Zhou, Q., King, K. M., & Chassin, L. (2006). The roles of familial alcoholism and adolescent family harmony in young adults' substance dependence disorders: mediated and moderated relations. *Journal of Abnormal Psychology, 115*(2), 320.